



انعطاف پذیری در قراردادهای تجاری مطالعه نقش قواعد حقوقی داخلی و بین المللی در تحقق آن

امیرپارسا گشتاسبی...

امیرپارسا گشتاسبی
amirparsa.goshtasebi@gmail.com - کارشناسی ارشد حقوق

چکیده

قرارداد در نظام حقوقی معاصر، مهم‌ترین وسیله تنظیم مناسبات مالی و تجاری میان اشخاص به شمار می‌آید و کارآمدی آن زمانی تضمین می‌شود که بتواند در برابر تحولات اقتصادی، دگرگونی‌های اجتماعی و تغییرات پیش‌بینی‌ناپذیر محیط قراردادی، واجد ظرفیت انطباق باشد. اصرار بر تلقی سنتی از قرارداد، که بر قطعیت مطلق، ثبات شکلی و لزوم اجرای تغییرناپذیر تعهدات استوار است، در بسیاری از روابط تجاری امروزی نه تنها ضامن عدالت قراردادی نیست، بلکه در مواردی خود به منشأ اختلال در توازن اقتصادی قرارداد تبدیل می‌شود. بر همین مبنا، توجه به الگوی «قرارداد انعطاف‌پذیر» در حقوق قراردادهای مهمیتی روزافزون یافته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به منابع حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی، در پی آن است که نقش قواعد حقوقی ملی و فراملی را در تقویت انعطاف‌پذیری قراردادهای تجاری تبیین کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در حقوق ایران، نهادها و مبانی‌ای همچون حسن نیت، انصاف، قاعده لاضرر، نفی عسر و حرج، و نیز امکان درج شروط تعدیل و بازنگری، ظرفیت قابل توجهی برای مقابله با آثار زیان‌بار ناشی از تغییر اوضاع و احوال دارند. همچنین، در سطح بین‌المللی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، با پذیرش سازوکارهایی برای مذاکره مجدد، تفسیر

منصفانه و حفظ تعادل قراردادی، به تقویت الگوی قرارداد انعطاف‌پذیر یاری رسانده‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت که گذار از قراردادهای سخت به قراردادهای انعطاف‌پذیر، ضرورتی مبتنی بر کارآمدی اقتصادی، انصاف حقوقی و حفظ پایداری روابط قراردادی است.

واژگان کلیدی: قراردادهای سخت، قراردادهای انعطاف‌پذیر، تغییر اوضاع و احوال، حسن نیت، تعدیل قرارداد، حقوق تجارت بین‌الملل

مقدمه

قرارداد از بنیادی‌ترین نهادهای حقوق خصوصی است که در پرتو آن، اراده اشخاص در قالبی حقوقی متبلور شده و مبادلات اقتصادی و تجاری سامان می‌یابد. اهمیت قرارداد تا آنجاست که بخش قابل توجهی از نظم حقوقی در روابط مالی، بر پایه اعتبار، لزوم و قابلیت اجرای تعهدات قراردادی استوار شده است. با این همه، تحولات مستمر در ساختارهای اقتصادی، نوسانات شدید مالی، تغییرات بنیادین در شرایط بازار، و نیز بروز اوضاع و احوال غیرقابل پیش‌بینی، این واقعیت را آشکار ساخته است که الگوی سنتی قرارداد، که بر ثبات خشک و پایبندی مطلق به مفاد اولیه توافق استوار است، در همه موارد پاسخ‌گوی نیازهای روابط تجاری نوین نیست.

در تحلیل کلاسیک حقوق قراردادهای، اصل لزوم

قراردادها جایگاهی محوری دارد و اقتضا می‌کند که مفاد تراضی، پس از انعقاد، برای طرفین الزام‌آور باشد و جز در موارد استثنایی، امکان گریز از آن وجود نداشته باشد. بی‌تردید، این اصل در تأمین امنیت حقوقی، پیش‌بینی‌پذیری روابط معاملاتی و تثبیت اعتماد میان متعاملین نقشی اساسی ایفا می‌کند. با این حال، تفسیر مضیق و غیرمنعطف از اصل مزبور ممکن است در شرایطی که تعادل اقتصادی قرارداد دچار اختلال اساسی شده یا اجرای تعهد با دشواری غیرمتعارف همراه شده است، به نتایجی منتهی شود که با عدالت قراردادی و انصاف حقوقی ناسازگار است. از این‌رو، حقوق قراردادهای معاصر به تدریج از برداشت صوری و ایستا از لزوم فاصله گرفته و به سوی مدلی حرکت کرده است که در آن، ثبات قراردادی با قابلیت تطبیق و بازتنظیم حقوق و تعهدات جمع می‌شود.

بر همین اساس، مفهوم قرارداد انعطاف‌پذیر در ادبیات حقوقی جدید مطرح شده است. مقصود از این نوع قرارداد، نفی اصل لزوم یا بی‌اعتبار ساختن ثبات قراردادی نیست؛ بلکه مراد، پیش‌بینی و شناسایی سازوکارهایی است که از طریق آن‌ها بتوان قرارداد را در برابر تحولات مؤثر بر تعادل عوضین یا امکان اجرای متعارف تعهدات، حفظ و بازتنظیم کرد. به بیان دیگر، انعطاف‌پذیری در قرارداد، ابزاری برای استمرار رابطه حقوقی و پیشگیری از فروپاشی آن در مواجهه با شرایط استثنایی است. درج شروط تعدیل، شرط بازنگری، تعهد به مذاکره مجدد، ارجاع به کارشناسی یا داوری تخصصی، و تمسک به معیارهایی همچون حسن نیت و انصاف، از جمله مهم‌ترین ابزارهای تحقق چنین انعطافی به شمار می‌روند.

در حقوق ایران، اگرچه نهاد تغییر اوضاع و احوال به صورت مستقل و مدون، همانند برخی نظام‌های

حقوقی تطبیقی، مورد تصریح قانون‌گذار قرار نگرفته است، اما این امر به معنای فقدان ظرفیت‌های حقوقی برای پذیرش انعطاف‌پذیری نیست. بررسی قواعد عمومی قراردادها، مبانی فقهی و اصول حاکم بر عدالت قراردادی نشان می‌دهد که حقوق ایران نیز از رهگذر نهادهایی چون قاعده لاضرر، نفی عسر و حرج، اصل حسن نیت، ملاحظات مبتنی بر انصاف و اصل آزادی قراردادی، امکان حرکت به سوی تفسیری منعطف از تعهدات قراردادی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، در حوزه تجارت بین‌الملل، اسناد مهمی مانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، با پذیرش یا تقویت سازوکارهای مقابله با دگرگونی‌های پس از انعقاد قرارداد، الگوی نسبتاً منسجمی برای سازگار کردن قراردادها با مقتضیات تجارت جهانی ارائه کرده‌اند.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که قواعد حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی تا چه اندازه و از چه طرقی در تقویت انعطاف‌پذیری قراردادهای تجاری نقش ایفا می‌کنند. اهمیت این پرسش از آن روست که تجارت معاصر، بیش از هر زمان دیگر، نیازمند سازوکارهایی است که ضمن حفظ اعتبار و الزام قرارداد، امکان تعدیل آثار آن را در مواجهه با وضعیت‌های پیش‌بینی‌ناپذیر فراهم آورد. بر این پایه، در این مقاله ابتدا مبانی نظری و مفهومی قراردادهای سخت و انعطاف‌پذیر تبیین می‌شود؛ سپس ظرفیت‌های حقوق ایران در این زمینه بررسی خواهد شد؛ و در ادامه، جایگاه اسناد و قواعد بین‌المللی در تقویت الگوی قرارداد انعطاف‌پذیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نوآوری این پژوهش در آن است که با جمع میان مبانی حقوق داخلی و الگوهای فراملی، تصویری تحلیلی از امکان سازگار کردن ثبات قراردادی با عدالت و کارآمدی در روابط تجاری ارائه می‌دهد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در چارچوب این روش، ابتدا مفاهیم بنیادین مرتبط با قراردادهای سخت، قراردادهای انعطاف‌پذیر، تغییر اوضاع و احوال، تعدیل قرارداد و حسن نیت از منظر دکترین حقوقی و متون معتبر مورد تبیین قرار گرفته است. سپس با تحلیل قواعد عمومی حقوق قراردادهای در نظام حقوقی ایران و بررسی برخی مبانی فقهی اثرگذار، ظرفیت‌های حقوق داخلی برای پذیرش و تقویت انعطاف‌پذیری قراردادی واکاوی شده است. در مرحله بعد، اسناد و قواعد بین‌المللی مؤثر در این حوزه، به‌ویژه اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، از حیث نقش آن‌ها در حفظ تعادل قراردادی و امکان بازنگری در تعهدات، تحلیل شده‌اند.

پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا می‌توان از مجموعه قواعد حقوق داخلی و بین‌المللی، الگویی هماهنگ برای حمایت از انعطاف‌پذیری قراردادهای تجاری استخراج کرد یا خیر. فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که هرچند در حقوق ایران نهاد تعدیل ناشی از تغییر اوضاع و احوال به صورت یک قاعده صریح و عام تدوین نشده است، اما از ترکیب اصول عمومی، قواعد فقهی و سازوکارهای قراردادی می‌توان مبنایی قابل دفاع برای شناسایی و حمایت از قراردادهای انعطاف‌پذیر به دست آورد. بر همین اساس، تحلیل داده‌ها با رویکردی تطبیقی و انتقادی صورت گرفته و کوشش شده است نتایج حاصل، در خدمت تبیین راهکارهای عملی و حقوقی برای استحکام و پایداری روابط تجاری قرار گیرد.

نتایج و بحث

- مبانی نظری و مفهومی انعطاف‌پذیری در قراردادهای تجاری

- مفهوم قراردادهای سخت و ویژگی‌های آن

قرارداد سخت، در ادبیات حقوقی، به قراردادی اطلاق می‌شود که در آن طرفین کوشیده‌اند تمامی جوانب رابطه حقوقی خود را با بیشترین حد از تفصیل و قطعیت پیش‌بینی کنند و در نتیجه، امکان تغییر، بازنگری یا تعدیل مفاد قرارداد در آینده یا پیش‌بینی نشده یا بسیار محدود گردیده است. چنین قراردادی بر مبنای این پیش‌فرض تنظیم می‌شود که شرایط زمان انعقاد، در مرحله اجرا نیز استمرار خواهد یافت و تعادل اولیه قرارداد دستخوش دگرگونی اساسی نخواهد شد. این نوع نگاه، ریشه در تلقی سنتی از اصل حاکمیت اراده و اصل لزوم دارد و هدف اصلی آن، تأمین امنیت قراردادی و جلوگیری از تزلزل در تعهدات است.

با وجود این، هرچند قرارداد سخت در ظاهر از استحکام و پیش‌بینی‌پذیری بیشتری برخوردار است، در عمل ممکن است در برابر تحولات عینی و واقعی محیط تجاری، کارآمدی خود را از دست بدهد. زیرا در بسیاری از قراردادهای بلندمدت، استمرار شرایط اقتصادی، مالی، پولی و تجاری به نحو سابق قابل فرض نیست. در نتیجه، اصرار بر اجرای عینی و غیرمنعطف مفاد اولیه قرارداد می‌تواند به اخلال جدی در تعادل عوضین، تحمیل زیان غیرمتعارف به یکی از طرفین، و حتی زوال مطلوبیت اقتصادی قرارداد منتهی شود. بنابراین، قرارداد سخت اگرچه در راستای حفظ ثبات طراحی می‌شود، ممکن است

در شرایط دگرگونی شدید، به عاملی برای افزایش اختلاف و بی‌عدالتی قراردادی تبدیل گردد.

- مفهوم قراردادهای انعطاف‌پذیر و کارکردهای آن

در برابر الگوی قرارداد سخت، قرارداد انعطاف‌پذیر قرار دارد که بر مبنای پذیرش واقعیت تغییرپذیری اوضاع و احوال و ضرورت حفظ کارکرد اقتصادی قرارداد تنظیم می‌شود. در این نوع قرارداد، طرفین می‌کوشند بدون عدول از اصل لزوم، راهکارهایی را برای انطباق تعهدات با شرایط جدید پیش‌بینی کنند. به بیان دقیق‌تر، انعطاف‌پذیری در قرارداد به معنای فراهم آوردن امکان اصلاح، تعدیل، تکمیل یا بازتفسیر مفاد قرارداد در وضعیت‌هایی است که پایبندی خشک به متن اولیه، نتیجه‌ای خلاف عدالت یا کارآمدی به بار می‌آورد.

از منظر کارکردی، قرارداد انعطاف‌پذیر چند مزیت اساسی دارد. نخست آنکه امکان استمرار رابطه قراردادی را در شرایط بحرانی یا غیرمتعارف فراهم می‌سازد و از انحلال یا بی‌اثر شدن زودهنگام قرارداد جلوگیری می‌کند. دوم آنکه از افزایش تعارضات و طرح دعاوی طولانی و پرهزینه می‌کاهد؛ زیرا طرفین از پیش سازوکارهایی برای مواجهه با اختلافات ناشی از تغییر شرایط در نظر گرفته‌اند. سوم آنکه با حفظ تعادل اقتصادی قرارداد، زمینه تحقق بهتر عدالت معاوضی و انصاف را فراهم می‌کند. از همین رو، قراردادهای انعطاف‌پذیر بیش از آنکه نشانه ضعف در تنظیم قرارداد باشند، بیانگر بلوغ حقوقی و اقتصادی در طراحی روابط قراردادی‌اند.

برای آن‌که حقوق نقش تسهیل‌گر داشته باشد، طراحان قراردادها نباید خود را صرفاً کارشناس یا مشاور حقوقی بدانند؛ بلکه لازم است نقش «مهندس حقوق» را نیز بر عهده بگیرند. تفاوت این دو رویکرد در این است که گروه اول پیشنهادهای خود را فقط بر پایه یافته‌ها و قواعد حقوقی ارائه می‌کند، اما مهندس حقوق در پی یافتن مسیری است که اجرای کار را در بهترین حالت ممکن ممکن سازد. به بیان دیگر، او به جای آن‌که برای مسائل فنی و تخصصی صرفاً راه‌حل حقوقی بترشد، برای راه‌حل‌های فنی، صورت‌بندی و توجیه حقوقی مناسب فراهم می‌کند. از این‌رو، فعالان حوزه حقوق تسهیل‌گر با حقوقدانانی که تجربه‌شان عمدتاً محدود به محیط‌های دانشگاهی است و حتی با برخی وکلای دادگستری نیز تفاوت دارند «Barton & others, 2015: 28-8».

- تغییر اوضاع و احوال به‌عنوان مبنای انعطاف‌پذیری

یکی از مهم‌ترین مبانی نظری انعطاف‌پذیری در قراردادها، بروز تغییر اوضاع و احوال پس از انعقاد قرارداد است. قصد از این وضعیت آن است که حادثه یا مجموعه‌ای از شرایط، پس از تشکیل قرارداد و بدون انتساب به تقصیر متعهد، تعادل قراردادی را به‌نحو اساسی بر هم زند یا اجرای تعهد را به‌شدت دشوار، پرهزینه یا زیان‌بار سازد، بی‌آنکه اجرای آن مطلقاً ناممکن شده باشد. تفاوت این وضعیت با قوه قاهره در آن است که در قوه قاهره، اجرای تعهد عملاً غیرممکن می‌شود؛ در حالی که در تغییر اوضاع و احوال، امکان اجرا باقی است، اما اجرای آن با وضعیت متعارف و مفروض اولیه تفاوت بنیادین پیدا می‌کند.

قاعده‌گذاری نشده است، اما در مقام استنباط، این اصل می‌تواند از مجموع مقررات و مبانی فقهی و نیز از روح قواعد عمومی تعهدات استخراج گردد. انصاف نیز در کنار حسن نیت، به عنوان معیار تعدیل نتایج غیرعادلانه، زمینه تفسیر منعطف تعهدات و کنترل نتایج نامتعارف را فراهم می‌کند؛ به ویژه در مواردی که اجرای خشک قرارداد، به برتری ناموجه یکی از طرفین منتهی می‌شود. « ماده 279 قانون مدنی: چنانچه موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرد اعلای آن ایفاء کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی‌تواند بدهد. »

2-2 قاعده لاضرر و مبنای عسر و حرج در بازتنظیم تعادل تعهدات

قاعده لاضرر، به عنوان یکی از مبانی مهم در نظام حقوقی ایران، قابلیت آن را دارد که از تحمیل ضرر ناروا و نامتعارف در روابط قراردادی جلوگیری کند. همچنین مبنای عسر و حرج، ناظر بر نفی تکلیف مشقت‌بار غیرمتعارف است و می‌تواند در مواردی که استمرار تعهد به نحو اولیه، برای یکی از طرفین به مشقت غیرقابل تحمل تبدیل شده، نقش توجیهی برای بازنگری در نحوه اجرا ایفا کند. جمع این دو مبنا در تحلیل قراردادی، این نتیجه را تقویت می‌کند که در شرایط استثنایی، حقوق باید به جای اصرار بر اجرای صوری، به سمت ترمیم عدالت و حفظ کارایی اقتصادی حرکت کند؛ زیرا هدف قرارداد، تحقق مبادله عادلانه و پایدار است، نه ایجاد ابزار فشار و تحمیل.

2-3 شرط تعدیل و بازنگری در حقوق ایران

یکی از مهمترین قواعد تعیین کننده اوضاع و احوال هر عنوان قرارداد ماده 10 قانون مدنی می باشد، که بیان می کند، قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

از دیدگاه عدالت قراردادی، اصرار بر اجرای بی‌چون و چرای قرارداد در چنین وضعی، همواره موجه نیست. اگر قرارداد ابزاری برای تنظیم منصفانه روابط اقتصادی باشد، نمی‌توان نسبت به تحولات مؤثری که بنیان اقتصادی توافق را برهم زده است، بی‌اعتنا ماند. به همین جهت، پذیرش نهادهای حقوقی ناظر بر تعدیل یا بازنگری قرارداد، نه یک استثنای نابجا بر اصل لزوم، بلکه راهی برای حفظ غایت اصلی قرارداد، یعنی تنظیم منصفانه و عقلانی رابطه حقوقی، محسوب می‌شود.

• نقش قواعد حقوق داخلی در تقویت انعطاف‌پذیری قراردادهای تجاری

2-1 حسن نیت و انصاف به مثابه معیار تفسیر و اجرا

حسن نیت، در مقام یک اصل راهنما، اقتضا می‌کند که طرفین در تفسیر و اجرای قرارداد، از رفتارهای فریبکارانه، سوءاستفاده از حق و اقدامات مغایر با اعتماد مشروع طرف مقابل پرهیز کنند. هرچند در حقوق ایران، مانند برخی نظام‌های حقوقی، قاعده‌ای یکپارچه و صریح با عنوان «اصل حسن نیت» در تمام حوزه‌های قراردادها

شرط تعدیل و بازنگری، مهم‌ترین ابزار قراردادی برای مدیریت ریسک تغییرات است. بر اساس این شرط، طرفین توافق می‌کنند که در صورت تحقق شرایط معین «مانند تغییرات شدید نرخ‌ها، افزایش غیرعادی هزینه‌ها یا اختلالات بازار»، مفاد اقتصادی قرارداد—مانند قیمت، نحوه پرداخت یا دامنه تعهد—قابل بازنگری باشد. در حقوق ایران، اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده، امکان گنجاندن چنین شروطی را فراهم می‌سازد؛ مشروط بر آنکه شرط، مخالف قوانین آمره و نظم عمومی نباشد. نقش این شرط در تقویت انعطاف‌پذیری آن است که پیشاپیش مسیر حل اختلاف را از دادخواهی به سمت سازوکارهای اصلاحی هدایت می‌کند و احتمال فروپاشی قرارداد را کاهش می‌دهد.

3 نقش اسناد بین‌المللی در انعطاف‌پذیری قراردادهای تجاری

1-3 اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدرو

اصول یونیدرو به عنوان یک متن فراملی اثرگذار، تغییر اوضاع و احوال را شناسایی کرده و برای آن، راهکارهایی مانند الزام به مذاکره مجدد و امکان تعدیل را پیش‌بینی می‌کند. اهمیت این رویکرد در آن است که به جای تقلیل مسئله به «فسخ یا اجرا»، راه حل سومی ارائه می‌دهد: بازسازی تعادل و استمرار رابطه قراردادی. این الگو با نیازهای تجارت بین‌الملل که در آن روابط بلندمدت و زنجیره‌ای رایج است، سازگارتر بوده و به جای تولید اختلاف، مدیریت اختلاف را هدف قرار می‌دهد.

2-3 کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اگرچه نهاد تغییر اوضاع و احوال را به صورت تفصیلی مشابه یونیدرو تنظیم نکرده است، اما از طریق قواعد تفسیر و اصول حاکم بر رفتار تجاری و اجرای متعارف تعهدات، ظرفیت‌هایی برای تفسیر انعطافی فراهم می‌کند. افزون بر آن، رویه‌های تفسیری و دکترین مرتبط با کنوانسیون، در عمل به سمت راه‌حل‌هایی گرایش دارند که از قطع رابطه قراردادی جلوگیری کرده و امکان حل و فصل مؤثر اختلاف را تقویت می‌کند. در نتیجه، کنوانسیون نیز در منظومه حقوق تجارت بین‌الملل، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از منطق انعطاف‌پذیری پشتیبانی می‌کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی قرارداد سخت، به سبب اتکای افراطی بر قطعیت متن و بی‌اعتنایی به تغییرات اساسی محیط تجاری، در بسیاری از مناسبات نوین، نه تنها کارآمد نیست بلکه منشأ تعارض و بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود. در مقابل، قرارداد انعطاف‌پذیر با پیش‌بینی سازوکارهایی چون شرط تعدیل، شرط مذاکره مجدد و بازنگری، و نیز با تکیه بر اصولی مانند حسن نیت و انصاف، تلاش می‌کند تعادل میان ثبات حقوقی و انطباق‌پذیری را برقرار سازد.

در حقوق ایران، هرچند قالب‌های سنتی حقوق قراردادهای، کمتر به زبان «تغییر اوضاع و احوال» سخن گفته‌اند، اما ظرفیت‌های قابل توجهی در قواعد عمومی و مبانی فقهی برای حمایت از تعدیل و بازتنظیم تعهدات وجود دارد؛ از جمله مواد 277، 279، 387، 227، 10، 132 و اصل 40 قانون اساسی که می‌تواند مانع تحمیل

زیان نامتعارف شود. در سطح بین‌المللی نیز، اصول یونیدروا با شناسایی صریح تغییر اوضاع و احوال و ارائه سازوکارهای اصلاحی، و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از طریق منطق تفسیری و قواعد رفتاری، الگوی گذار از «اجرای خشک یا انحلال» به سمت «حفظ رابطه و ترمیم تعادل» را تقویت می‌کنند.

منابع

امامی، سید حسن. حقوق مدنی، جلد ۱ و ۳. ۱۳۷۱.

رهپیک، عباسعلی. قاعده لاضرر و تأثیر آن در حقوق قراردادهای. ۱۳۸۳.

کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۱ و ۲. ۱۳۸۶.

بر این اساس، حرکت از قراردادهای سخت به قراردادهای انعطاف‌پذیر، یک ضرورت راهبردی در تنظیم قراردادهای تجاری است؛ ضرورتی که هم عدالت قراردادی را تقویت می‌کند و هم کارایی اقتصادی و امنیت معاملاتی را افزایش می‌دهد.

barton , « 2015 » Borisova Tatiana & Haapio Helena .,D Thomas , Lap the of Issue Special A , "Contracts in Stability and Flexibility land . Issue ,Review Law

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از کلیه استادان و پژوهشگرانی که آثار آنان در تدوین چارچوب نظری و تحلیلی این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، قدردانی می‌شود.

Schlechtriem, P. & Schwenzer, I. Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods « CISG » . 2016

تعارض منافع

UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts. 2016

نویسنده اعلام می‌دارد در ارتباط با انجام و انتشار این پژوهش، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods « CISG » . 1980